

نویسنده: آباکوفمن «Ava Kofman».
منبع و تاریخ نشر: فیرفاکس «2025-09-28»
برگردان: پوهندوی دوکتور سیدحسام «ملم».

ارتجاع نوین: کرتیس یاروین و وسوسه استبداد هوشمند

The New Reactionary: Curtis Yarvin and the Temptation of Smart Tyranny

کرتیس یاروین رویای پایان دموکراسی و یک مستبد آمریکایی را در سر می‌پرورانند. ایده‌های استبدادی او با عصری خسته‌ترین انداز شده و الهام بخش نخبگان راست‌گرا مانند پیترویل، میلیاردر فناوری، و جی. دی. ونس، معاون رئیس‌جمهور ایالات متحده، است.

Curtis Yarvin dreams of the end of democracy and an American autocrat. His authoritarian ideas resonate with a weary age and inspire right-wing elites like tech billionaire Peter Thiel and US Vice President



(عکس از آسوشیتدپرس / بدون ذکر منبع)

یاروین در سال «2011» گفت: که ترامپ یکی از دوفردی است که از نظر «بیولوژیکی» برای تبدیل شدن یا برخورد داشتن به یک پادشاه آمریکایی مناسب است.

(در مناطق میانی یا بین‌البینی و سایه دار اینترنت، جایی که ایده‌آلیسم سیلیکون ولی با بدبینی پسا-دموکراتیک تلاقی می‌کند، متفکری خود را تثبیت کرده است که مانند افراد معدود دیگری، روح زمانه روشنفکران راست‌گرا را شکل می‌دهد - کورتیس یاروین، که حرفه اش را با نام مستعار منسیوس مولدباگ آغاز کرد .

یاروین نه فاشیست است، نه پوپولیست، نه صرفاً یک ایدئولوگ - او یک مهندس سیستم‌های اقتدارگرایی است. پیشنهاد او: دموکراسی لیبرال یک خطای کد جبران‌ناپذیر است - کند، فاسد، بی‌اثر. آنچه مورد نیاز است یک «پادشاه مدیرعامل» است که کشوری را مانند یک استارت‌آپ اداره کند. شهروند؟ دیگر یک عامل تعیین‌کننده نیست، بلکه مشتری با حق فسخ است. هنوز هم می‌توان با رفتن به یک کشور کوچک مستقل دیگر رأی داد. دوران ملت‌های بزرگ برای یاروین به پایان رسیده است. چیزی که به نظر علمی تخیلی می‌آید، مدت‌هاست که به یک نیروی سیاسی تبدیل شده است: ایده‌های او در شبکه‌های اطراف پیتر تیل، جی. دی. ونس و مارک اندریسن - مردانی با قدرت، پول و عطش نظم - نفوذ می‌کند.

نظریه یاروین نه تنها به عنوان یک مدل رادیکال از حکومت، بلکه به عنوان یک پیشنهاد زیبایی‌شناختی نیز عمل می‌کند: این نوید بخش تصور چیزی بزرگ، ناب و قوی فراتر از کسالت لیبرال است - اقتدارگرا اما باهوش. خوانندگان او مردان جوانی هستند که به طرز طعنه‌آمیزی تحصیل کرده، از نظر اخلاقی خسته و معتاد به ساختار هستند.

اینکه این امر به او امکان دسترسی به دریافت‌های قدرت امروز - در واکنش، در دوسالانه، در اتاق نشیمن تیل - را می‌دهد، تصادفی نیست. این صدای آرام‌نظمی است که در راه است و نیازی به بسیج توده‌ها ندارد، بلکه به چند مرد ثروتمند و کمی کد نیاز دارد.

آوا کافمن نویسنده نیویورکر است. پیش از این، او به عنوان خبرنگار تحقیقی در رسانه تحقیقاتی پروپابلیکا کار می‌کرد. نوشته‌های او همچنین در نشریات مشهوری مانند مجله نیویورک تایمز، مجله هارپر، نیویورک ریویو آو بوکز و $n+1$ منتشر شده است. جوایز او شامل جایزه هیلمن برای روزنامه‌نگاری مجله (۲۰۲۳) و در همان سال، جایزه بارتلت و استیل برای روزنامه‌نگار جوان برجسته است. این متن نسخه خلاصه شده‌ای از مقاله او با عنوان «توطئه کورتیس یاروین علیه آمریکا» است که در ژوئن ۲۰۲۵ در نیویورکر منتشر شد.

در بهار و تابستان ۲۰۰۸، زمانی که دونالد ترامپ هنوز یک دموکرات ثبت‌شده بود، یک وبلاگ نویس ناشناس به نام منسیوس مولدباگ، مانیفستی چندبخشی با عنوان «نامه‌ای سرگشاده به مترقی‌های روشنفکر» منتشر کرد. این نامه چند صد صفحه‌ای که بالحنی تمسخرآمیز و تندخویانه مانند یک یاغی نوشته شده بود، استدلال می‌کرد که برابری طلبی،

نه تنها جهان را بهبود نمی‌بخشد، بلکه در واقع مسئول بیشتر بیماری‌های زمین است. به گفته مولدباگ، اینکه خوانندگان ساده‌لوح او، به ویژه کسانی که آن را می‌خوانند، مسائل را متفاوت می‌بینند، به دلیل تأثیر رسانه‌ها و دانشگاه‌ها بود که هرچند ناخواسته، برای حفظ اجماع چپ - لیبرال با هم همکاری می‌کردند. او این اتحاد شوم را «کلیسای جامع» نامید. مولدباگ چیزی کمتر از نابودی آن و «راه‌اندازی مجدد» کامل نظم اجتماعی نمی‌خواست. او پیشنهاد «لغو دموکراسی، قانون اساسی و حاکمیت قانون» و انتقال قدرت به نوعی مدیرعامل عالی - کسی مانند استیو جابز یا توسعه‌دهنده نرم‌افزار، مارک اندریسن، به گفته مولدباگ - را داد که دولت را به یک «شرکت بسیار مسلح و فوق‌العاده سودآور» تبدیل می‌کرد. این رژیم جدید، مدارس دولتی را واگذار، دانشگاه‌ها را منحل، مطبوعات را منحل و «بخش‌های بی‌فرهنگ جمعیت» را زندانی می‌کرد. علاوه بر این، دولت مقامات را به صورت دسته جمعی اخراج و به روابط بین‌المللی، مانند روابط مربوط به «تضمین‌های امنیتی، کمک‌های خارجی و مهاجرت گسترده» پایان می‌داد.

مولدباگ گفت، مسلماً، دیدگاه او به سلامت عقل مدیرعامل بستگی دارد: «اگر او هیتلر یا استالین باشد، البته ما سوسیالیسم ملی یا استالینیسم را احیا کرده‌ایم.» با این حال، او به هر حال دیکتاتورهای قرن بیستم را جدی نمی‌گرفت، زیرا آنها بیش از حد به حمایت عمومی از سلیقه او وابسته بودند. مولدباگ استدلال کرد که هر سیستمی که مشروعیت خود را از ترجیحات توده‌ها بگیرد، محکوم به شکست است. منتقدان او را یک تکنوفاشیست نامیده‌اند، اما او ترجیح می‌دهد خود را سلطنت طلب یا ژاکوبین بنامد - اشاره‌ای به پیروان شاه جیمز دوم و خاندان استوارت که در قرن‌های ۱۷ و ۱۸ با پارلمان‌تاریسم بریتانیا مخالفت کردند و از حق الهی پادشاهی دفاع کردند.



سیلیکون ولی

جهان بینی میلیاردرهای فناوری

از زمان پیروزی دونالد ترامپ در انتخابات، روسای شرکت‌های بزرگ فناوری سیلیکون ولی مانند ایلان ماسک، جف بزوس و مارک زاکربرگ در حال شکل دهی به سیاست بوده‌اند چه نگرش‌های ایدئولوژیکی آنها را هدایت می‌کند؟ و چه کسی بر تفکر آنها تأثیر می‌گذارد؟

کمی بعد، وبلاگ مولدباگ، *Unqualified Reservations*، به لطف تکنسین‌های آزادی‌خواه، بوروکرات‌های بدخلق و عقل‌گرایان خودخوانده - که بسیاری از آنها جزو نیروهای ضربت یک جنبش فکری مجازی بودند که به عنوان نئو-ارتجاع یا روشنگری تاریک شناخته می‌شد - به صورت آنلاین گسترش یافت. تعداد کمی از آنها به سلطنت طلبان آشکار تبدیل شدند، اما مولدباگ ظاهراً با بدعت‌های خود موفق شد تحقیر خود را نسبت به تحولات دوران اوباما به زبان بیاورد. مولدباگ از خوانندگان خود خواست که از خواب ایدئولوژیکی خود بیدار شوند و "قرص قرمز" را ببلعند - مانند کیا نوریوز در ماتریکس، که حقیقت ترسناک را به جای راحت نشستن در جهل انتخاب می‌کند. "قرص قرمز" تأثیرگذارترین واژه ابداعی مولدباگ بود که به سرعت توسط جنبش نوپای راست افراطی در آن زمان به کار گرفته شد.

مقاله ای در سال «2013» در پورتال خبری تک‌کرانچ با عنوان «گیک‌های طرفدار سلطنت» فاش کرد که منسیوس مولدباگ نام مستعار یک برنامه‌نویس چهل ساله اهل سانفرانسیسکو به نام کورتیس یاروین است. یاروین در تلاش برای بازسازی دولت ایالات متحده، رویای یک سیستم عامل رایانه‌ای جدید را در سر می‌پروراند که به امید او به عنوان یک «جمهوری دیجیتال» عمل کند. او شرکتی به نام تلون تأسیس کرد که از رمان کوتاه خورخه لوئیس بورخس با عنوان «تلون، اوکبار، اوربیس ترتیوس» الهام گرفته شده بود، که در آن یک انجمن مخفی، یک جهان موازی پیچیده را توصیف می‌کند که به تدریج بر واقعیت غلبه می‌کند. یاروین برای استارت‌آپ خود پول جمع‌آوری کرد و در این فرآیند، به نوعی ماکیاولی برای اهداکنندگان بزرگ فناوری خود تبدیل شد - مانند یاروین، آنها معتقد بودند که اگر مسئولیت امور را به دست بگیرند، دنیا بهتر خواهد شد.

سرمایه‌گذاران تلون شامل دو شرکت سرمایه‌گذاری خطرپذیر، اندریسن هوروویتز و فاندرز فاند بودند. دومی توسط میلیاردر پیتر تیل تأسیس شد و هم‌تیل و هم‌بالاجی سرینیواسان، که در آن زمان شریک اندرسن هوروویتز بود، پس از خواندن وبلاگ یاروین با او دوست شدند - اگرچه ایمیل‌هایی که دیده‌ام نشان می‌دهد که هیچ‌کدام در آن زمان مشتاق نبودند که در ملاء عام و هم‌زمان با او نامشان برده شود. تیل در سال ۲۰۱۴ به یاروین نوشت: «مرتبط بودن چقدر برای ما خطرناک است؟»

«فکر اطمینان بخش: زیر میز، به نفع ما است که این افراد» - یعنی همه کسانی که طرفدار عدالت اجتماعی بیشتر هستند - «به توطئه اعتقاد ندارند، حتی وقتی درست جلوی بینی شان باشد (این شاید بهترین شاخص زوال چپ باشد). وقتی آنها در مورد ارتباط متقابل صحبت می کنند، کاملاً دیوانه به نظر می رسند و به نوعی خودشان هم این را می دانند.»

نکته پادکست



داستان پیتر تیل

پیتر تیل مغز متفکر تغییر فرهنگی به راست در ایالات متحده و یکی از مهمترین حامیان دونالد ترامپ است. او از طریق پی پال و فیس بوک ثروتمند شد. این داستان میلیاردی مرموز حوزه فناوری است

حدود ده سال بعد، در دوران ترامپ و سیاست های قدرتمندانه اش، ارتباطات یاروین با نخبگان در سیلیکون ولی و واشنگتن دیگر یک راز نیست. جی. دی. ونس، که اکنون معاون رئیس جمهور و کارمند سابق یکی از شرکت های سرمایه گذاری خطرپذیر پیتر تیل است، در حضور یاروین در سال ۲۰۲۱ در یک پادکست راست افراطی، زمانی که پیشنهاد داد دولت آینده ترامپ باید «تمام مقامات سطح متوسط، تمام کارمندان دولت در بوروکراسی را اخراج کند و آنها را با افراد خودمان جایگزین کند»، از او نقل قول کرد. او افزود دادگاه هایی که از این امر مستثنی هستند، باید نادیده گرفته شوند. مارک

اندرسون، مدیرعامل مشترک اندرسون هوروویتز و مشاور غیررسمی در به اصطلاح وزارت بهرموری دولت (DOGE)، اکنون از «دوست خوب» خود یاروین نقل قول می‌کند که او اصرار دارد یک شخصیت بنیانگذار باید مسئولیت بوروکراسی «خارج از کنترل» ما را بر عهده بگیرد. اندرو کلاستر، مشاور عمومی جدید در دفتر مدیریت پرسنل، اظهار داشته است که جایگزینی مقامات با حامیان وفادار می‌تواند به ترامپ در شکست «کلیسای جامع» کمک کند.

یکی از مقامات وزارت امور خارجه که از دوران «مولدباگ» نوشته‌های یاروین را می‌خواند، به من گفت: «افرادی هستند که روح زمانه را کنترل می‌کنند - نیچه آنها را «مردم معاصر» می‌نامد - و کرتیس قطعاً یک فرد معاصر است.» در سال ۲۰۱۱، یاروین گفت که ترامپ یکی از دو نفری است که «از نظر بیولوژیکی» مقدر شده است که یک پادشاه آمریکایی شود. در سال ۲۰۲۲، او توصیه کرد که ترامپ، در صورت انتخاب مجدد، زمام قوه مجریه را به ایلان ماسک واگذار کند. یاروین در یادگستی با دوستش مایکل آنتون، که اکنون مدیر سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی وزارت امور خارجه است، از تعطیلی نهادهای مدنی مانند دانشگاه هاروارد حمایت کرد.

در دوره‌های دیگر، یاروین ممکن بود یک دیوانه اینترنتی گمنام و بدون هیچ حضور عمومی، یک جوزف دو مستر دیجیتالی، باقی بماند. در عوض، او به یکی از تأثیرگذارترین متفکران اقتدارگرای آمریکایا، مهندس کد منبع فکری برای دولت دوم ترامپ تبدیل شد.

حالا که ایده‌های او به شکلی تقریباً سورئال در قالب DOGE اجرا شده است، و ترامپ دوست دارد خودش را پادشاه بنامد، فکر می‌کنید یاروین خوشحال خواهد بود. اما در عوض، در ماه‌های اخیر، او نگران است که لحظه مناسب در نهایت از دست برود. او دو روز پس از انتخابات نوشت: «اگر الان یک ترامپ دارید، از آن لذت ببرید. دیگر هرگز به آن سختی نخواهید خورد.» یاروین آنچه را که بسیاری خطرناک‌ترین حمله به دموکراسی در تاریخ ایالات متحده می‌دانند، رقت‌انگیز و ناکافی می‌داند و آن را به دور از یک کودتای واقعی می‌داند. او معتقد است که بدون یک تصرف کامل توسط یک استبداد، واکنش شدید قطعی است. وقتی اخیراً با او صحبت کردم، او از فیلسوف فرانسوی لویی دو سن-ژوست، از طرفداران حکومت وحشت، نقل قول کرد: «کسی که نیمی از انقلاب را انجام می‌دهد، گور خود را می‌کند.»

در اوایل امسال، من با یاروین برای ناهار در واشنگتن دی‌سی ملاقات کردم. او برای جشن گرفتن تغییر رژیم در شهر بود و لباس همیشگی خود را پوشیده بود: شلوار جین، چکمه‌های چلسی و یک پیراهن چروکیده زیر ژاکت موتورسواری. بعد از چند لقمه

چیزبرگر با پیاز سرخ‌شده، بشقابش را کنار زد. او توضیح داد که سال قبل، پس از بحثی با ریچارد هانانیا، مفسر راست‌گرا، در مورد مزایای نسبی سلطنت و دموکراسی، تصمیم گرفته بود دارویی شبیه اوزمپیک مصرف کند. یاروین در حالی که با چنگالش گوجه فرنگی را به بدنش می‌مالید، گفت: «من تقریباً از هر نظر او را تکه‌تکه کردم. اما او یک مزیت بزرگ داشت: یعنی من چاق بودم و او چاق نبود.» به نظر می‌رسید تزریق‌ها جواب داده است. همینطور که به خوردن ادامه می‌دادم، تلفن یاروین شروع به دریافت پیام‌های بیشتر و بیشتری کرد، از جمله برخی که از تغییر او تعریف می‌کردند. آن روز صبح، مجله نیویورک تایمز مصاحبه‌ای با او منتشر کرد که شامل یک پروفایل سیاه و سفید تیره بود. دوستش استیو سیلر، که برای وبسایت‌های ملی‌گرای سفیدپوست می‌نویسد، گفت که او شبیه «رامون پنجم» است.

مجموعه مستند «برو توپای فناوری»

به قدرت رسیدن با قرص قرمز تابستان «2025»: ایالات متحده آمریکا به سمت اقتدارگرایی در حال حرکت است. در بطن این ماجرا، برادران فناوری از سیلیکون ولی حضور دارند. آنها می‌خواهند دولت را از بین ببرند و فضا را استعمار کنند. اما چگونه به چنین ایده‌هایی می‌رسند؟



مجموعه مستند "برادر فنی توپیا"

با قرص قرمز به قدرت برسید

تابستان 2025: ایالات متحده آمریکا به سمت اقتدارگرایی در حال تغییر است. در بطن آن، برادران فنی از سیلیکون ولی هستند. آنها می‌خواهند دولت را از بین ببرند و فضا را استعمار کنند. اما چگونه به چنین ایده‌هایی می‌رسند؟

یاروین، از طرف خودش، از اینکه مصاحبه با تایمز چطور پیش رفته بود، خیالش راحت بود. او گفت: «چیز اصلی که به آن فکر می‌کردم این بود که چطور به هیچ یک از روابط آسیب نرسانم؟» سال‌ها، یاروین به عنوان یک فیلسوف درباری در «دنیای تیل»، شبکه‌ای از کارآفرینان، روشنفکران و افراد وابسته به مخالفان که این گول فناوری را احاطه کرده‌اند، شناخته می‌شد، اگر اصلاً شناخته شده باشد.

یاروین همچنین گفت که می‌خواست به مخاطبان نیویورک تایمز دسترسی پیدا کند. که با توجه به اینکه او از دولت خواسته بود روزنامه را تعطیل کند، جای تعجب دارد.

در کودکی، یاروین گاهی اوقات توسط مادرش در خانه آموزش می‌دید و سه کلاس را به صورت جهشی گذراند. (برادر بزرگترش، نورمن، چهار کلاس را جهشی گذراند.) در نهایت، خانواده به کلمبیا، مرینند نقل مکان کردند، جایی که یاروین در سن ۱۲ سالگی در کلاس دهم دبیرستان بود. یاروین گفت: «وقتی خیلی از همکلاسی‌هایت کوچکتر هستی، یا یک نماد دوست‌داشتنی هستی یا یک بیگانه عجیب، تهدیدآمیز و نگران‌کننده.» او دومی بود. یاروین پس از یک سال و نیم تحصیل در مقطع دکترا، دانشگاه را رها کرد تا در صنعت فناوری به دنبال ثروت خود باشد. او به توسعه نسخه اولیه یک مرورگر وب موبایل برای شرکتی که بعدها به *Phone.com* معروف شد، کمک کرد.

وقتی *Phone.com* عمومی شد، یک میلیون دلار پول بادآورده دریافت کرد. او مقداری از این پول را برای خرید آپارتمانی در نزدیکی منطقه هایت-اشبری سانفرانسیسکو استفاده کرد و بقیه را صرف خودآموزی علوم کامپیوتر و نظریه سیاسی کرد.

در طبیعت، یاروین خود را در متون مبهم تاریخ و اقتصاد غرق کرد، که بسیاری از آنها دوباره از طریق گوگل بوکز قابل دسترسی شده بودند. او آثار توماس کارلایل، جیمز برنهام و آلبرت جی ناک را خواند.

یاروین «لحظه قرص قرمز» خود را به انتخابات ریاست جمهوری سال ۲۰۰۴ نسبت می‌دهد. در حالی که دروغ‌های مربوط به سلاح‌های کشتار جمعی در عراق بسیاری از نسل او را به چپ سوق داد، یاروین توسط انواع دیگری از خیال‌پردازی‌ها به جهت مخالف کشیده شد: در نظریه توطئه موسوم به قایق سریع، کهنه سربازانی که با کمپین جورج دبلیو بوش ارتباط داشتند، جان کری، نامزد دموکرات، را به دروغ‌گویی در مورد خدمت سربازی‌اش در ویتنام متهم کردند. ظاهراً دیگر واقعیت‌ها قابل اعتماد نبودند. او چطور می‌توانست هنوز به هر چیزی که در مورد جوزف مک کارتی، جنگ داخلی یا گرمایش جهانی شنیده بود، اعتماد کند؟ و در مورد دموکراسی چطور؟ سال‌ها، او قبل از اینکه تصمیم بگیرد ایدئولوژی خودش را شروع کند، بحث‌های پرشوری را در بخش نظرات وبلاگ‌های مختلف رهبری می‌کرد. او قطعاً جاه طلب بود. اولین پست اینگونه شروع شد: «چند روز پیش داشتم در گاراژم ور می‌رفتم و فکر کردم یک ایدئولوژی جدید بسازم.»

من سیاست حفظ حریم خصوصی را خوانده‌ام و صریحاً آن را می‌پذیرم.

ها نس-هرمان هوپه، محقق آلمانی، گاهی اوقات به عنوان دروازه فکری به راست افراطی توصیف می‌شود. هوپه، استاد بازنشسته اقتصاد در دانشگاه نوادا، لاس وگاس، معتقد است که حق رأی عمومی، حکومت یک «نخبگان طبیعی» را جایگزین کرده است. او همچنین از تقسیم ملت‌ها به جوامع کوچک‌تر و همگن و «حذف فیزیکی» کمونیست‌ها، همجنس‌گرایان و دیگرانی که چنین نظم اجتماعی سفت و سختی را رد می‌کنند، حمایت می‌کند. اگرچه هوپه از یک دولت حداقلی حمایت می‌کند، اما معتقد است که سلطنت، آزادی را مؤثرتر از دموکراسی محافظت می‌کند. یاروین خیلی زود آرمان هوپه از یک مستبد خیرخواه را پذیرفت - کسی که به طور کارآمد حکومت می‌کند، از جنگ‌های بی‌معنی اجتناب می‌کند و رفاه رعیای خود را در نظر دارد.

کسانی که با تاریخ دیکتاتوری‌ها آشنا هستند، ممکن است این ایده را ریاکارانه بدانند. اما یاروین اینطور فکر نمی‌کند.

او یک بعد از ظهر در یک کافه کنار خیابان در ونیز بیچ به من گفت: «هیچ‌کس خانه خودش را غارت نمی‌کند.» از او پرسیده بودم چه چیزی مانع از آن می‌شود که مدیرعامل-پادشاه او از کشور سوءاستفاده کند - یا مردم آن را به بردگی بگیرد - برای منافع شخصی خودش. یاروین با تکرار هوپه، پیشنهاد می‌کند که ملت‌ها را به «چند تکه» از ریزکشورها مانند سنگاپور یا دبی تقسیم کند که هر کدام حاکم مستقل خود را داشته باشند. مشکلات سیاسی دائمی مشروعیت، پاسخگویی و جانشینی با کمک یک کمیته مخفی که اختیار دارد مدیرعامل قدرتمند این «شرکت‌های مستقل» یا به اختصار *SovCorp* را منصوب و برکنار کند، حل خواهد شد.

مردم می‌توانستند با پاهایشان رأی بدهند، یعنی به محض اینکه شرایط و ضوابط (C&T) دیگر برایشان مناسب نبود، از یک شرکت *SovCorp* به شرکت دیگر بروند، درست همانطور که یک نفر از X به Bluesky تغییر می‌کند. به نظر نمی‌رسد این طنز که مخالفانی مانند یاروین احتمالاً در چنین وضعیتی سرکوب می‌شوند، او را آزار دهد. او قول می‌دهد: «شما می‌توانید هر چه می‌خواهید فکر کنید، بگویید یا بنویسید. چون دولت اهمیتی نمی‌دهد.»

در حالی که یاروین به کالاماری سرخ شده اش نوک می‌زد، چین و رواندا (هر دو کشوری که هرگز از آنها بازدید نکرده بود) را به خاطر دولت‌های قوی‌شان که به طور مساوی امنیت عمومی و آزادی شخصی را تضمین می‌کردند، ستایش کرد.

یاروین گفت که برای برخی افراد، آزادی بیش از حد می‌تواند کشنده باشد، مانند معتادان به مت‌آفتامین یا کودکان چهار ساله. سپس به بی‌خامنهایی که در همان نزدیکی اردو

زده بودند اشاره کرد و ناگهان شروع به گریه کرد. او در حالی که اشک‌هایش را پاک می‌کرد، گفت: «اینکه این [وضعیت] باید نمایانگر موفقیت باشد، یا اینکه «بدترین نوع حکومت، به جز بقیه» باشد - با اشاره به جمله معروف چرچیل در مورد دموکراسی که قبلاً به طور خلاصه نقل قول کرده بودم - «دیوانگی است». (چند هفته بعد، من در لندن بودم و دیدم که او در سخنرانی مشابهی خطاب به یکی از اعضای مجلس اعیان، خونسردی خود را از دست داد. بار دوم، کمتر تأثیرگذار بود.

فراخوان یاروین برای انتخاب یک مرد قدرتمند برای آمریکا اغلب به عنوان یک تحریک عجیب و غریب رد می‌شود. با این حال، او معتقد است که این دقیقاً تنها پاسخ به جهانی است که در آن افراد بسیار کمی برای دموکراسی مناسب هستند.

یاروین دقیقاً به خاطر احتیاطش شناخته نمی‌شود. من متوجه شدم که او عادت دارد پیامک‌ها و ایمیل‌های خصوصی را فوراً رد کند. او در مورد دوستی‌اش با پیتر تیل محتاط‌تر بود، اما به مکالمه خصوصی که این دو سال گذشته فیلمبرداری کرده بودند اشاره کرد و از کتابی که میلیون‌ها دلار برای تولد ۴۰ سالگی‌اش به او هدیه داده بود، تعریف کرد: «تراژدی اروپا» اثر فرانسیس نیلسون، تفسیری معاصر از جنگ جهانی دوم، البته نه اولین نسخه‌ای که یاروین به آن امیدوار بود.

پیتر تیل همیشه استعداد پیشگویی داشته است. او از بنیانگذاران پی‌پال بود، اولین فرد خارجی بود که در فیس‌بوک سرمایه‌گذاری کرد و پالانتیر، یک شرکت داده‌کاوی که اخیراً وظیفه کمک به مقامات ICE در اخراج مهاجران را بر عهده داشت، تأسیس کرد. تیل زمانی که انجام این کار هنوز در سیلیکون ولی طرد شده بود، از ترامپ حمایت کرد. در انتخابات سنا در سال ۲۰۲۲، او ۱۵ میلیون دلار به کمپین جی. دی. ونس کمک مالی کرد - بزرگترین مبلغی که تاکنون توسط یک نامزد واحد در تاریخ کنگره دریافت شده است. تیل، که از دیرباز یک لیبرترین بوده است، ظاهراً حدود سال ۲۰۰۹ به سمت یاروینیسیم متمایل شد؛ در مقاله‌ای که به طور گسترده توسط موسسه کاتو به صورت آنلاین منتشر شد، او در آن زمان نوشت: "من دیگر باور ندارم که آزادی با دموکراسی سازگار است."

در ایمیل‌هایی که توسط BuzzFeed به دست آمده است، یاروین به میلو یانوپولوس، سردبیر Breitbart، افتخار می‌کند که اولین انتخابات ترامپ را در خانه تیل دیده و "مربی" او بوده است. یانوپولوس پاسخ داد: "از نظر سیاسی، پیتر قطعاً به راهنمایی نیاز دارد." یاروین در پاسخ نوشت: "کمتر از آنچه فکر می‌کنید! ... او کاملاً روشنفکر است، فقط خیلی با احتیاط قدم برمی‌دارد."

وقتی اخیراً یاروین را در خانه‌اش در برکلی ملاقات کردم، متوجه نقاشی‌ای شدم که تیل به او داده بود: پرتوهای از یاروین به سبک کارت شخصیت بازی‌های نقش‌آفرینی با برچسب «فیلسوف». او در حالی که چای خود را از لیوانی با تم یاروین که تاجی کارتونی بر سر داشت، می‌نوشید، به من گفت که برایش «اقتضاح» خواهد بود که رابطه‌اش با پیتر

تیل - یا با جی. دی. ونس، که از طریق تیل حدود سال ۲۰۱۵ با او آشنا شده بود - را در بوق و کرنا کند. بنا به گزارش‌ها، ونس یک شب در حاشیه کنفرانس ملی محافظه‌کاری ۲۰۲۱ در یک بار گفت: «آیا یک رأی‌دهنده معمولی او هابو... منسیوس مولد باگ را می‌شناسد؟ نه. اما آیا آنها اساساً با مسیری که ما معتقدیم سیاست آمریکا باید در پیش بگیرد موافق هستند؟ کاملاً.» یاروین در مورد معاون رئیس جمهور گفت: «او آدم واقعاً باحالی است.» شب قبل از مراسم تحلیف ترامپ، یاروین را به یک «جشن تاجگذاری» جشن‌گونه در هتل واترگیت در واشنگتن دی‌سی بردم. این جشن توسط انثشا رات نئوراکتیو Passage Press برگزار شد که اخیراً کتاب یاروین با عنوان «آینه خاکستری، بخش اول: آشفتگی» را منتشر کرده بود، جلد اول از یک مجموعه چهار قسمتی که دیدگاه او را برای یک رژیم سیاسی جدید ترسیم می‌کند. یادداشت‌های پایانی عمدتاً شامل لینک‌های کد QR به صفحات ویکی‌پدیا است. همانطور که در خیابان‌های یخی راه می‌رقتم، یاروین توضیح داد که در دوران الیزابت، بهترین مغزهای متفکر در هنر و دانش در دربار یافت می‌شدند. وقتی از او پرسیدم که آیا شباهتی به حلقه نزدیکان ترامپ می‌بیند، از خنده منفجر شد. او گفت: «وای نه. خدای من.»

مانند اکثر روزنامه‌نگاران، از ورود به جشن منع شدم، بنابراین در باری در لابی نوشیدنی سفارش دادم. کنار من مردی با کلاه کابویی و کت و شلوار مخمل زرشکی ایستاده بود - همانطور که معلوم شد، یکی از تحسین‌کنندگان یاروین به نام الکس ماکسا. او یک شرکت اتوبوس‌رانی مهمانی در سانفرانسیسکو اداره می‌کرد و در اوقات فراغتش، میم‌هایی با تصویر یاروین می‌ساخت. او گفت کار یاروین او را مجذوب خود کرده است، زیرا «این باعث می‌شود احساس کنم چیزی در دست دارم که افرادی که در واشنگتن فکر می‌کنند خیلی باهوش هستند، نمی‌توانند استدلال قانع‌کننده‌ای علیه آن ارائه دهند.» او در واقع می‌خواست به مجلس رقص برود، اما بلیط‌ها که در آن زمان بالغ بر 20,000 دلار قیمت داشتند، تمام شده بودند. کمی بعد، با دو نفر از دوستان یاروین ملاقات کردم که به من و همراهم که او هم از مطبوعات بود، توصیه کردند که با اعتماد به نفس با آنها به مهمانی برویم. مکسا رویکرد مشابهی داشت و از قبل داخل بود. او به من پیامک داد: «خخخ، من لباس‌ها را خواستم و همین‌طوری وارد شدم.»

انتشارات Passage Press این رویداد را با عنوان «MAGA با فناوری درست ملاقات می‌کند» اعلام کرده بود. این وعده‌ی زیادی نبود. در یک سالن ضیافت با نورپردازی صورتی و بنفش، مایکل آنتون از وزارت امور خارجه، لورا لومر، یکی از معتمدان ترامپ و یک ضدمسلمان متعصب، و جک پوزوبیچ، که نظریه توطئه پیتزاگیت را ترویج کرده بود، و همچنین سرمایه‌گذاران خطرپذیر، شتاب‌دهندگان ارزهای دیجیتال و ستاره‌های Substack، در حال پرسه زدن بودند. پیش از آن، در حالی که مهمانان با گوش‌ماهی‌های سرخ‌شده و فیله مینیون شام می‌خوردند، استیو بنن، سخنران اصلی مراسم، خواستار اخراج‌های دسته‌جمعی، «غروب خدایان» دولت اداری و زندانی کردن مارک زاگربرگ شده بود.

بعد از نیم ساعت، من را بیرون راندند و سایر خبرنگاران نیز در طول شب سرنوشت مشابهی را تجربه کردند. ماموران امنیتی، مکس، دوست من از لابی، را با یکی از ما اشتباه گرفتند و او را نیز بیرون انداختند. با این حال، او قبلاً موفق شده بود از میان جمعیت عبور کند تا با یاروین عکس بگیرد.

حتی بدبین‌ترین منتقدان دونالد ترامپ نیز از سرعت اعمال استبداد توسط رئیس‌جمهور در دوره دوم ریاست جمهوری‌اش و تمرکز قدرت در قوه مجریه - که اغلب در دست ثروتمندترین مردان جهان است - نگران هستند.

در همین حال، دولت با کاهش بودجه‌ها و سایر دانشگاه‌ها - که ظاهراً دژهای تلقین ایدئولوژیک بودند - و مجازات شرکت‌های حقوقی که نماینده مخالفان ترامپ بودند، حمله‌ای را به جامعه مدنی آغاز کرده است. این دولت، دستگاه مهاجرت را گسترش داده و سه کودک متولد آمریکا را به هندوراس، گروهی از مهاجران آسیایی و لاتین را به آفریقا و بیش از ۲۰۰ مهاجر ونزوئلایی را به زندانی با حداکثر امنیت در السالوادور تبعید کرده است، جایی که ممکن است تا آخر عمر در آنجا بمانند.

شهروندان آمریکایی اکنون با دولتی روبرو هستند که حق خود می‌داند آنها را بدون طی مراحل قانونی ناپدید کند: یا همانطور که ترامپ در جلسه‌ای در دفتر بیضی شکل به نایب بوکله، رئیس‌جمهور السالوادور، گفت: "مردم محلی نفر بعدی هستند." بدون یک سیستم موثر کنترل و توازن، هیچ فیلتری برای ایده‌های عجیب و غریب یک مرد وجود ندارد - مانند راه‌اندازی یک جنگ تجاری متناقض که اقتصاد جهانی را واژگون می‌کند. این ایده‌ها به اقدامات مشخصی تبدیل می‌شوند که خانواده و متحدان او را ثروتمند می‌کنند.

در ماه مه 2025، یک مشاور ناشناس DOGE به واشنگتن پست گفت که "این یک راز آشکار است که همه سیاست‌گذاران یاروین را خوار ندهاند." استقن میلر، معاون رئیس دفتر رئیس‌جمهور، اخیراً در تویییتی از او نقل قول کرد. جی. دی. ونس خواستار خروج ایالات متحده از اروپا شده است، چیزی که یاروین مدت‌هاست از آن حمایت می‌کند. در آوریل 2024، یاروین پیشنهاد اخراج همه فلسطینی‌ها از نوار غزه و تبدیل این منطقه به یک تفرجگاه لوکس را داد. او در Substack نوشت: "آیا کسی از "خانه ساحلی" صحبت کرد؟" "غزه جدید - که البته توسط داماد ترامپ، جارد کوشنر، توسعه یافته است - لس‌آنجلس مدیترانه است، یک شهر کاملاً جدید در قدیمی‌ترین اقیانوس شناخته شده برای بشر، املاک و مستغلات درجه یک با یک دولت کاملاً بی‌نقص، کاملاً بی‌نقص، با کیفیت اپل." در فوریه ۲۰۲۵، ترامپ در یک کنفرانس مطبوعاتی مشترک با بنیامین نتانیا هو، نخست‌وزیر اسرائیل، مشاوران خود را غافلگیر کرد، زمانی که پیشنهادی تقریباً مشابه ارائه داد و غزه بازسازی شده خود را «ریویرای خاورمیانه» نامید.

هر وقت از یاروین در مورد شباهت‌های نوشته‌هایش با وقایع واقعی می‌پرسیدم، او بی‌خیال می‌شد. ظاهراً او خود را به عنوان مجرای برای عقل محض می‌دید - تنها راز برای او این بود که چرا دیگران همیشه از او عقب می‌مانند. او به من گفت: «دروغ را می‌توان ساخت، اما حقیقت را فقط می‌توان کشف کرد.»

_____ **با تقدیم احترامات «03-10-2025»**